

۲۸ اوت ۲۰۰۹

# کتسرمه‌ای!



دیدیم که پس از برگزاری «آبرومندانة» انتخابات اخیر و خصوصاً حوادث پس‌انتخاباتی، مدتی احمدی‌نژاد پای به دنیای سکوت و «مماشات» سیاسی گذاشته بود! طی اینمدت رئیس دولت «انتخابی» جمکران از صفحات نخست رسانه‌ها حذف شد و دست‌های پنهان و «مقدسی» در این تلاش بودند تا به ایرانیان حالی کنند، «کودتا دیدی، ندیدی!» ولی از آنجا که «گذار پوست به دباغخانه است»، او باش حکومت اسلامی نیز نهایتاً سخنران نماز جمعه می‌شوند. و بالاخره احمدی‌نژاد، در مقام «منتخب ملت ایران»، با پروئی فراوان پای به تریبون «سخنرانی» در نماز جمعه فرمایشی و مسخره حکومتی هم گذاشت! حضور رئیس جمهور منتخب نشان می‌دهد که حکومت اسلامی به این صرافت افتاده که اینک پس از گذشت چندین هفته از «افتضاحات» باز هم می‌توان تحفه محفل «بوش - مدودوف» را از زیرزمین بیرون کشید و تحت عنوان «شخصیت سیاسی» به ملت ایران حقنه کرد! به همین دلیل دست احمدی‌نژاد را بار دیگر گرفتند و به صف نخست در نماز جمعه «فرمایشی» حکومت روانه کردند.

در صحنه باقی می‌مانند که به تدریج همچون میرحسین موسوی و خاتمی و کروبی، در جبهه‌ای می‌نشینند که رسماً خود را «مخالف» خواهند خواند، و نهایت امر تبدیل به سیاست‌بازان رقیب در درون یک «رژیم سیاسی» واحد می‌شوند.

اینهمه فقط به این دلیل که دولت مفلوک فعلی دیگر نمی‌تواند بساط «بزن و ببند» به شیوه ۲۸ مرداد ۳۲ و یا ۲۲ بهمن ۵۷ به راه بیاندازد! این دولت دیگر نمی‌تواند همچون ۲۸ مرداد سرنیزه به زیر گلوی ملت بگذارد و نفت را به چپاول «کنسرسیون» بدهد، و دیگر نمی‌تواند با به راه انداختن آشوب‌های خیابانی، یک غائله ضدایرانی را «انقلاب» جا بزند و گردان‌های اوباش «جاوید شاه» را هم به نام «حزب‌الله» به جان مردم بیاندازد. بله، به دلیل همین «بن‌بست‌های» سیاسی و عملیاتی است که مواضع این دولت دست‌نشانده که عملاً نان شب‌اش را از دست محافل نفت‌خوار جهانی می‌گیرد همچنان «پا در هوا» مانده! خلاصه بگوئیم دست زیاد شده و اینان در چارچوب سیاست‌های فعلی نمی‌توانند مواضع غیرقانونی و غصبی خود را از نظر سیاسی و عملیاتی، آنطور که قدیمی‌ترها به «تصرف» در می‌آوردند در چنگ گیرند. در چارچوب همین «گه خوردم، گه نخوردم!»، احمدی‌نژاد می‌گوید:

**«بنده می‌خواهم اینجا اعلام کنم که این کارهایی که در بازداشتگاه‌ها و کوی دانشگاه انجام شد نیز اجزای سناریوی دشمن بود و این کارها توسط وابستگان به جریان براندازی انجام شد.»**  
همان منبع!

در این مقطع احمدی‌نژاد به صراحت نشان می‌دهد که از الفبای سیاست نیز هیچ نمی‌داند. این فرد برای تطهیر یک جریان سیاسی وابسته به جمهوریخواهان آمریکا و یک جناح مشخص در روسیه، که خود وی و شخص علی‌خامنه‌ای کارگزار آن در ایران شده‌اند، عملاً هم اوباش لباس‌شخصی را که عاملان تفویض قدرت عملیاتی



ولی در این «ویراست نوین» دیگر نه احمدی‌نژاد همان «مهرورزی» سابق است، و نه علی‌خامنه‌ای آن «ولی‌فقیه» گذشته‌ها! مواضع اینان از هم فروپاشیده و بیش از پیش فقط به حمایت بیگانه متکی‌اند. اینان حتی در برابر «یارگار» و اوباش و خودی‌های حکومت اسلامی نیز دیگر غاصب و کودتاچی‌اند، و ژست‌های خلقی و خاکی احمدی‌نژاد دیگر آب به دهان کسی در مراسم «عبادی - سیاسی» نخواهد انداخت. از قضای روزگار حضرت ریاست جمهور، حتی «کت» خاکی و خلقی معروف خود را نیز با یک کت سرمه‌ای که جای پای مگس هم روی آن می‌ماند عوض کرده تا به جهانیان تفهیم کند که «پاک، پاک» است! بله، گذشت آن روزگاری که برای ایشان سفرهای استانی سر هم می‌کردند و حکومت ژست‌های تسوده‌ای می‌گرفت! امروز احمدی‌نژاد مشکل می‌تواند با تکیه بر چنین موضعی دست به سیاست‌بازی بزند.

با این وجود، از آنجا که سیاست‌بازان وطنی همچون نمونه‌های موجود در دیگر کشورها، هم فرمساق و بی‌چشم‌ورو هستند، و هم به دلیل وابستگی به اجنبی و شرکت‌های نفتی به قول معروف، پنچراند و «ته‌شان حسابی باد» می‌دهد، پرروئی در وجود اینان «با شیر اندرون شده با جان به در شود.» باری! مهرورزی سابق، و جناب ریاست جمهوری «کت‌سرمه‌ای» فعلی، در این نمازجمعۀ «دشمن‌شکن» بادی در غبغب انداخته و فرموده‌اند:

**«حوادث پس از انتخابات تلخ بود، اما نتیجه آن شیرین بود، عده‌ای مردم بی‌گناه آسیب دیدند، اما بدخواهان رسوا شدند.»**  
منبع، رادیو فردا، ۶ شهریور ۸۸

البته در اینکه این حوادث تلخ بود تردیدی نیست. ولی اینکه «نتیجه‌اش» شیرین باشد، مسلماً جای بحث دارد. نخست اینکه این «بدخواهان» که گویا «رسوا» هم شده‌اند، اصولاً چه کسانی هستند؟ این سؤال در حکومت اسلامی هنوز بی‌جواب مانده، و در شرایط فعلی زیاد هم نمی‌باید منتظر پاسخ روشنی باشیم. می‌دانیم که سیاست‌باز جماعت، خصوصاً انواع دست‌نشانده و «دست‌به‌دهن» که اجنبی در کشورهای استثمار شده از زباله‌دان بیرون می‌کشد و به قدرت می‌رساند، برای باقی ماندن بر اریکه قدرت و «ادای آقائی» در آوردن، از خون مادر خود هم نمی‌گذرد؛ اینان قدرت‌پرستی و ادامه نوکری در بارگاه اجنبی را «ایثار» نام گذاشته‌اند! و در چارچوب همین ایثار، همچون آقای خمینی، سر هر کس را «به فرموده» از تن جدا خواهند کرد. ولی اگر حامیان اجنبی این عروسک‌کوکی‌ها نتوانند اوباش دست‌نشانده‌شان را به جان دیگران بیاندازند، نه تنها «بدخواهان»

به آخوندها در ۲۲ بهمن بودند به زیر سؤال می‌برد، و هم نیروهای انتظامی حکومت جمکران را! مگر در جریان کوی دانشگاه چه پیش آمده که امروز پرزیدنت «کت‌سرمه‌ای» اینهمه داغدار شده‌اند؟ در کوی دانشگاه همان گذشت که هزاران بار در سطح کشور گذشته؛ ضرب و شتم مردم و سرکوب ملت در راه توجیه یک حکومت دست‌نشانده، نوکر و چپاولگر. حکومتی که امروز عملاً حتی حاضر نیست مسئولیت وحشیگری‌های نیروهای انتظامی خود را در بازداشت‌گاه‌های رسمی نیز بپذیرد! اگر قرار است به قول احمدی‌نژاد «جزای سناریوی دشمن» توسط نیروهای انتظامی، در بازداشتگاه‌های رسمی حکومت اعمال شود، پس بهتر است ایشان نخست به شیوه «عنتر و لوطی» جای «دوست و دشمن» را هم به ما ملت نشان بدهند، تا بدانیم مقصود «کت‌سرمه‌ای» از این جفنگیات چیست؟ ولی احمدی‌نژاد گویا آن‌ا می‌فهمد که بدجوری «بند را آب داده»، در نتیجه همچون سیدمحمد خاتمی دست به کار «اصلاحات» شده و می‌افزاید:

**«ساحت نیروهای انقلاب و نیروهای امنیتی، نظامی و انتظامی و اطلاعاتی ما از این گونه اقدامات شرم‌آور میرا است.»**

به بیان دیگر، آن‌ها که در بازداشتگاه‌های رسمی این حکومت «شترگاوپلنگ» به ملت تجاوز می‌کنند و قربانیان را روی میزهای شکنجه، به ضرب باطوم و هزار و یک وحشیگری دیگر به قتل می‌رسانند، از نیروهای وابسته به این حکومت نیستند! حال باید از جناب ریاست جمهور چاه جمکران بپرسیم، این چه نوع حکومتی است که زندان‌هایش توسط افرادی اداره می‌شود که به قول ایشان ارتباطی با نیروهای «انقلاب و امنیتی، نظامی و انتظامی و اطلاعاتی» ندارند؟ وقتی می‌گوئیم این حکومت از نوع «شترگاوپلنگ» است دلیل دارد؛ «آفتاب آمد، دلیل آفتاب»!

از عملیات سرکوب مردم، صدها عکس و ده‌ها ساعت فیلم، بر روی شبکه اینترنت موجود است؛ این عملیاتی است که توسط نیروهای انتظامی حکومت اسلامی و اوباش لباس‌شخصی که وابستگان به ساواما و وزارت اطلاعات به شمار می‌روند سازمان یافته؛ تمامی این مدارک که نمی‌تواند ساختگی باشد. حال «کت‌سرمه‌ای» بهتر است صریحاً بگوید که اگر این «دولت» مسئول اعمال وحشیانه اوباش در خیابان و بازداشتگاه‌ها نیست، مسئولان واقعی چه کسانی هستند؟ در ثانی این چه نوع دولتی است که مسئولیت چنین عملیات هولناکی را در مراکز بزرگ شهری کشور اصولاً قبول نمی‌کند؟ در اینجا به این صرافت می‌افتیم که می‌باید از «مهرورزی ۲» بپرسیم، جنابعالی لطف کرده بفرمائید که این دولت اصولاً مسئولیت چه مسائلی را حاضر است در این مملکت بپذیرد؟

این دولت نمی‌تواند همزمان، عملیات نیروهای انتظامی را به گروه‌هایی «موهوم» که گویا شب‌هنگام از ته چاه بیرون می‌آیند منسوب کند، و هم بر طبل «مسئولیت» در اداره امور کشور بزند. بالاخره ما ملت می‌باید یا دم‌خروس را باور کنیم و یا قسم حضرت عباس را! از روز نخست بی‌مسئولیتی در این رژیم سیاسی تبدیل به سکه رایج شد؛ مشکلات دیپلماتیک و سیاسی کشور و آنچه اینان «انقلاب» می‌خواندند بر پایه ترهات مسئولان حکومت اسلامی از سه دهه پیش به دلیل «بدخواهی‌های» آمریکا بر امت مسلمان تحمیل شده؛ مشکلات مالی و اقتصادی و صنعتی و بانکی و پزشکی و دارویی و ... هم به دلیل همان توطئه «جهانخواران» شرق و غرب به راه افتاد؛ محدودیت‌های اجتماعی نیز که ما ملت قربانیان واقعی آن هستیم فقط برای «مبارزه» آیات عظام با همان «توطئه‌ها» به راه افتاده! و امروز شاهدیم که در تکمیل روند سیاست بی‌مسئولیتی در داخل و خارج، «جمکرانیسم» معتقد است که کتک زدن مردم در خیابان‌ها توسط اوباش حکومت اسلامی و تجاوز به زندانیان در بازداشتگاه‌ها هم تقصیر همان «جهانخواران» است! واقعاً باید به مهرورزی آفرین گفت! نویسنده این وبلاگ طی دوران زندگی در کمال تأسف اوباش و لات و لوت کم ندیده، ولی باید اذعان داشت که لاتی همچون احمدی‌نژاد کم پیدا می‌شود. ایشان به دلیل هم‌نفسی مدام با حجت‌الاسلام «فاکر» دیگر حتی به درد مطربی هم نمی‌خورند!

ولی واقعیت همان است که بارها گفته‌ایم. به این احمق‌ها، که عمری را به کارگزاری اجنبی در کشور گذرانده‌اند گفته شده بود، «شلوغی‌ها خودی است! مهم نیست!» بعد که معلوم شد مردم این مملکت برای جنایتکارانی از قماش میرحسین موسوی و کروبی تظاهرات نخواهند کرد، و هدف اصلی فروپاشاندن دکان دین‌فروشان عمامه‌به‌سر است، همان کانال‌ها فریاد زدند، «بزنید مردم را، ما هوای تان را داریم!»



«...[برخورد جدی باید با سران و عوامل اصلی جریان‌ها باشد]...»  
کسانی که سازمان‌دهی کردند و خط دشمن را پیاده کردند باید با آنها  
برخورد جدی صورت گیرد.»

بله، به این ترتیب باز هم می‌رسیم به «خط دشمن»! با شنیدن  
ترهات احمدی‌نژاد انسان بی‌اختیار به یاد سخنرانی نوحه‌های استالین در  
دادگاه‌های فرمایشی کمونیسم من‌درآوردی «پدر کوچک ملت» می‌افتد.  
همان نوحه‌ها که مزخرفات‌شان در اثر جاودان جرج اورول به نام «مزرعه  
حیوانات»، در قالب یک کاریکاتور به یادماندنی و جهان‌شمول به تصویر  
کشیده شده. اورول می‌گوید: «در این جهان فروهشته روزگاری خواهد  
رسید که صرف بازگوئی حقیقت یک عمل انقلابی تلقی شود!» و ما هم در  
همینجا به بزمجه‌مقام معظم می‌گوئیم، بی‌دلیل به دنبال «خط دشمن»  
نگرد! تو و اوپاش همراه تو میوه‌های زهرآگین «خط دشمن» در این  
مملکت هستید! ولی آنچه تو می‌باید «خط دشمن» بخوانی «خط ملت  
ایران» است! این همان خطی است که نهایتاً بر فرق تو و هم‌پالکی‌هایت  
فرود می‌آید و بساط خودفروختگان دین‌فروش و اجنبی‌پرست را در این  
مملکت ریشه‌کن خواهد کرد.

خبرنگاران‌شان را که برای انعکاس «دمکراسی جمکرانی» دسته‌دسته  
به ایران فرستاده بودند، خارج کردند و کشور را در محاصره خبری  
هم قرار دادند. اینهمه به این امید واهی که ندای مخالفت واقعی  
ملت ایران که دکان دین‌فروشان دنیاپرست را هدف قرار داده بود به  
خارج نخواهد رسید! اینجا هم کور خوانده بودند؛ این ندا نه تنها به  
خارج رفت که در خارج از مرزها انعکاسی به مراتب گسترده‌تر از غائله  
استعماری ۲۲ بهمن داشت.

بله، این اوپاش از قماش احمدی‌نژاد، رفسنجانی، خاتمی، خامنه‌ای،  
کروبی و ... که همگی کارگزاران اجنبی‌اند، دیگر نمی‌توانند از  
حمایت‌های ۲۸ مردادی و ۲۲ بهمنی برخوردار شوند؛ در نتیجه،  
جهت حفظ منافع اربابان‌شان خودی و ناخودی را گرفتند به زیر  
مشت و لگد! گروهی اوپاش حکومت اسلامی را هم تحت عنوان  
«مجرم» آورده‌اند جلوی دوربین‌های تلویزیون تا اینان اگر در عمر  
بی‌برکت‌شان به درد هیچ کاری نخوردند حداقل در مقام «هنرپیشه  
سریال‌های سیاسی» از وجود بی‌ارزش‌شان بتوان استفاده کرد. و  
اینهمه برای آنکه انقلاب بزرگ ملت ایران و خواست‌های پایه‌ای  
و اساسی ایرانیان را که ریشه در آرمان‌های کهن ما ملت دارد و  
دمکراسی سیاسی و آزادی اندیشه و بیان از ارکان آن به شمار می‌رود  
مخدوش کنند و به این باور احمقانه میدان دهند که خودفروختگانی  
از قماش ابطحی، بهزاد نبوی، همکاران محسن رضائی و نوکران  
«خط امام لعنتی» و خادمان ارسالی فرامرزی اینان در برابر ساختمان  
سازمان ملل به «خواست‌های ملت ایران» بازتاب می‌دهند!

البته این جماعت بر این باور بود که اینبار نیز می‌تواند خاک در چشم  
ملت ایران کند؛ بر این توهم تکیه داشت که اینبار نیز می‌تواند اهداف  
واقعی ملت ایران را تحت تأثیر فتاوی این آخوند و آن حجت‌الاسلام  
از مجاری انسان‌محور منحرف کرده به منجلاب و مرداب متعفن منبر  
و مسجد و کتاب‌دعا بیاندازد؛ به این خوش‌خیالی‌ها تن داده بود که  
اینبار نیز خواهد توانست مشتی اوپاش را از زباله‌دان تا کاخ ریاست  
جمهوری بدرقه کند، و نان استعمار را هم در روغن شناور! زهی  
بی‌شرمی! از این ضدیت با بشریت، و از این خودفروختگی!

امروز به دلیل شکست پروژه‌های «ضدایرانی» است که این پسرک  
بی‌سروپا را با کت‌سرمه‌ای آورده‌اند روی چمن دانشگاه اشغال شده  
و تخریب شده تهران، تا به حساب خودشان مسئله را هم «رفع و  
رجوع» کرده باشند! ولی اینجا را هم کور خوانده‌اند! این مسائل  
هیچگاه در تاریخ ملت‌ها با سخنرانی یک «بزمجه‌احمق» رفع و  
رجوع نشده که در ایران چنین شود. بزمجه‌سرمه‌ای‌پوش در ادامه  
سخنرانی خود می‌گوید:

